

## عنوان مقاله:

بررسی مقایسه ای کشف و شهود در "مثنوی" مولانا با کشف و شهود در "مکاشفات" مایستر اکهارت

## محل انتشار:

پنجمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسنده:

پروانه ذوالفقاری فر - کارشناس ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

## خلاصه مقاله:

شناخت خدا و رسیدن به آن از طریق کشف و شهود، از مسایل مهم عرفانی است، که از دیرباز تا به امروز نظرتامی عرفای جهان را به خود معطوف داشته است. مثنوی مولانا را می توان نوعی حکایت سفرمعنوی و عرفانیدانست؛ که ضمن به تصویر کشیدن تعالیم و مفاهیم عرفانی به مکاشفات آفاقی و انفسی پرداخته است. و با برخیز الگوهای عرفانی آثار اندیشمندان غربی مطابقت هایی داشته است، از جمله عارف و شاعر آلمانی تبار، مایستراکهارت، که او نیز همانند مولانا تجربه ی زیسته و سلوک عرفانی خود را در کتاب "مکاشفات" و باروش شاعرانه، به تصویر کشیده است و راه رسیدن به حق را در طریق عشق و معرفت، و درنهایت، ارمیدندر خدا می داند. با این توضیح دراین پژوهش سعی شده است تا اندیشه ی این دو عارف و شاعر شرق و غرب، به روش مقایسه ی نمونه ی اشعارشان با برداشت از نظریه ی "و.ت.استیس" (W.T.Stace) در مورد مکاشفات؛ سنجیده شود. تا نمایان گردد که هر دو اندیشمند از طریق آموزه های دینی خود، عارفانه و شاعرانه برآند تا راهسلوک را از دل آغاز کرده و از طریق اتحاد نفس با خداوند، و به کارگیری نیروی عشق به عنوان والاترین جذبهدر کشف و شهود و فنای در ذات حق، میان انسانی که در عالم خاک است و خدایی که در همه ی عوالم به ویژه عالم معنا ظهور پیدا می کند پیوند برقرار کنند.

## کلمات کلیدی:

مولانا، «مثنوی»، مایستر اکهارت، «مکاشفات»، کشف و شهود

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2090430>

